



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۵۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



منصور حکمت www.m-hekmat.com

جمعه ۲۶ خرداد ۱۳۹۱، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۲ - ۱۲ صفحه

کارگران پتروشیمی های ماهشهر به یک موفقیت بزرگ دست یافتند

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، وزارت نفت طی بخشنامه ای با عنوان "فوری" به مدیران مجتمع های پتروشیمی دولتی در منطقه ماهشهر، دستور انعقاد قرارداد مستقیم با این کارگران را در تمامی سطوح و سوابق کاری صادر کرده است. در این بخشنامه که در روز ۱۰ خرداد صادر شده و پس از چند روز در اختیار کارگران قرار گرفته است، از مدیران پتروشیمی ادامه صفحه ۹

"اعتراضات پس از انتخابات"، یا انقلابی که دنیا را تغییر داد!

نتایج و ثمرات آن و اینکه ادامه دارد یا ندارد، مورد بحث است. اجازه دهید از اینجا شروع کنیم: ماهیت سیاسی این وقایع چه بود؟ برخی میخواهند این وقایع را به "اعتراضات پس از انتخابات" و جنبشی برای اصلاح نظام و "اجرای بی تنازل قانون اساسی جمهوری اسلامی" و غیره تقلیل دهند. شما چه می گوئید؟ مصطفی صابر: این تفاسیر ناشی از منافع تنگ نظرانه و در واقع نوعی تلاش مذبوحانه است.



گفتگو با مصطفی صابر

انترناسیونال: سه سال بعد از وقایع سال ۸۸ ایران، یعنی تلاش قهرمانانه و انقلاب مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، هنوز ماهیت و محتوای این وقایع،

ادامه صفحه ۲

اعدام قتل عمد دولتی

خاطره ای فراموش نشدنی از منصور حکمت

که ناگزیر به منصور حکمت رو آوردم. مساله از این قرار بود که آژمان ما در اردوگاه کوموله بسر میبردیم و من رئیس دادگاههای مرکزی بودم، یکی از سیاست های رژیم اسلامی اعزام جاسوسانش به اردوگاهها برای آسیب زدن به پیشمرگان و عملیات خرابکارانه و

شهلا دانشفر

به یاد نمی آورم چه سالی بود، اما میتوانم بگویم بیست و چند سال قبل بود که با مشکلی روبرو شدم

ادامه صفحه ۶

بازتاب هفته

از ۷ میلیون پرونده تا رانت
۲۵ هزار میلیارد تومانی!

محمد شکوهی

سازمان پنج ملل،

معضلی تاریخی در جهان امروز!

شهاب بهرامی

افتادن طشت رسوایی نظام

از پشت بام

مهراب دشتی

ماجرای دادگاه دزدی ۳ هزار میلیاردی

دزدان حکومتی را بشناسید!

محمد شکوهی

صفحات ۴-۵

صفحات دیگر

در دهمین سالگرد مرگ منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری در باره گرانی نان:
نان، آزادی، برابری!

سازمان عفو بین الملل دعوت میکند:

سفرانی مینا احدی در شهر ماینز آلمان در
مورد حقوق انسانی در ایران

دادگاه "ایران تریبونال": لندن، ۱۸ تا ۲۲
ژوئن ۲۰۱۲

هشدار کمیته بین المللی علیه اعدام

پیام مادر فرزاد کمانگر به مناسبت مراسم یادی از فرزاد!

فرزاد فقط فرزند من نبود فرزند همه انسانهای شریف دنیا بود. اینرا از زنان و مردان افغانستان بپرسید از مردم کردستان عراق بپرسید و از هر جایی که شما ها زندگی می کنید. حرکت فرزاد از کردستان شروع شد و هم اکنون به سراسر جهان گسترش یافته است.

فرزاد فقط فرزند من نبود فرزند همه انسانهای شریف دنیا بود. اینرا از زنان و مردان افغانستان بپرسید از مردم کردستان عراق بپرسید و از هر جایی که شما ها زندگی می کنید. حرکت فرزاد از کردستان شروع شد و هم اکنون به سراسر جهان گسترش یافته است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"اعتراضات پس از انتخابات"، یا انقلابی که دنیا را تغییر داد؟

گفتگو با مصطفی صابر

از صفحه ۱

هر اسمی که روی وقایع سال ۸۸ بگذاریم، بطور واقعی جامعه ایران را زیر و رو کرد. جمهوری اسلامی را در سطح داخلی و جهانی کاملاً افشاء نمود، اسلام سیاسی را تاریخا به عقب راند، الهام بخش انقلابات و جنبش‌هایی شد که بنوبه خود تمام معادلات جهانی را عوض کردند به یک دوره سیاه در تاریخ معاصر پایان دادند. این تفاسیر دقیقاً قرار است بر همین واقعیات مهم و نقش و تاثیر مردم ایران و انقلاب شان در تغییر وضع موجود خاک بپاشد. خود اینگونه مفسرین از جمله ورشکستگان اوضاع پس از انقلاب ۸۸ هستند.

در سال ۸۸ میلیون‌ها زن و مرد در تهران و بسیاری شهرها به خیابان آمدند. سرعت "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه‌ای" و "مرگ بر اصل ولایت فقیه" به شعار اصلی شان تبدیل شد. مردم حدود ده ماه در خیابان و محله و دانشگاه با عوامل و اوباش تا به دندان مسلح حکومت جنگیدند، سنگر بندی کردند، در مواردی عملاً خیابان و محله را به کنترل درآوردند. نزدیک به دوست نفر کشته دادند، هزاران نفر زخمی شدند، چندین هزار نفر دستگیر و زندانی شدند. در مواردی اوباش

جمهوری اسلامی را به زانو درآوردند، در روز شش دی ماه (عاشورا) نیروهای انتظامی را عملاً شکست دادند و صدها نفر از جمله فرمانده آژا روانه بیمارستان کردند و تا یک قدمی تسلط بر پایتخت (که تنها میتوانست مقدمه بر سقوط نظام باشد) پیش رفتند و متأسفانه موفق نشدند. این بطور عینی یک حرکت میلیونی برای پایین کشیدن حکومت به نیروی مستقیم خود مردم بود. کسی که این وقایع را "جنبش اصلاحات" و "اعتراض به نتایج انتخابات" و آنهم برای "اجرای بی تنازل قانون اساسی" می نامد واضح است که ریگی در کفش دارد. چه بخواد و چه نخواهد در جبهه خامنه‌ای و احمدی نژاد و حفظ جمهوری اسلامی ایستاده و مثل آنها دارد از وحشت انقلاب مردم آیه "دفع فتنه" میخواند و دور سرخودش فوت میکند. تردیدی نیست که وقایع سال ۸۸ دخالت میلیونی و مستقیم توده‌ای برای تعیین تکلیف قدرت سیاسی در ایران و انقلابی برای پایین کشیدن کل جمهوری اسلامی بود. به همت خود همین مردم و شهروند - خبرنگاران و به یمن اینترنت و مدیای اجتماعی به سراسر جهان گزارش شد و گفتمان و روحیه دنیا را یکسره عوض کرد. در تاریخ جهان انقلاب ۸۸ ایران بعنوان نقطه شروع یک دوره جدید ثبت شده است.

انترناسیونال: یک نکته در



استدلال همین‌ها که اشاره کردید این است که تظاهرات های میلیونی خرداد ۸۸ در اعتراض به تقلب در انتخابات و با شعار مردم "رای من کو؟" شروع شد. این را چطور توضیح میدید؟

مصطفی صابر: این یک تفسیر وارونه از وقایع است. این انقلاب مردم بود که انتخابات جمهوری اسلامی را به صحنه بروز خود تبدیل کرده بود. شعار "رای من کو؟ تنها شکل اولیه "مرگ بر خامنه‌ای" بود. واقعیت این است که فضای انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و بویژه مناظره های تلویزیونی جوی را بوجود آورد که مردم حس کردند میتوانند از شکاف درون حکومت استفاده و در سیاست دخالت کنند. تاثیر بگذارند و وضع را تغییر دهند. در واقع این فضای امیدواری و دخالتگری توده‌ای که آشکارا بوی انقلاب از آن می آمد و رفسنجانی هم در نامه مشهورش به خامنه‌ای در باره آن هشدار داد، از دو سه هفته قبل از انتخابات و تقلب مربوطه شروع شده بود. مردم به بهانه تبلیغات انتخاباتی عملاً کنترل اجتماعات و خیابانها را به دست می گرفتند و بقول خودشان تهران به "یک پارتی بزرگ" تبدیل شده بود. این "پارتی بزرگ" فقط صحنه های رقص و خواندن سرود و بالا رفتن روسری ها و اعمال فرهنگ مردم و عقب راندن فرهنگ حکومت نبود. بلکه کاملاً امری سیاسی بود و مردم

عملاً به نوعی همبستگی و اعتماد به نفس سیاسی دست می یافتند. همین همبستگی و اراده جمعی برای دخالت توده‌ای در اوضاع بود که به مردم جسارت داد تا وقتی احمدی نژاد از صندوق درآمد در تظاهرات های میلیونی و بی سابقه به خیابانهای تهران سرازیر شوند و جهان را دچار حیرت و تحسین کنند. اگر بجای احمدی نژاد، موسوی و کروبی هم از صندوق در می آمد باز مردم به خیابان می ریختند. اینبار البته تحت عنوان جشن پیروزی و کنار زدن کاندید محبوب نظام به خیابان

کاملاً برعکس، این انقلاب و دخالت توده‌ای مردم با استفاده از شکاف در بالا برای تغییر اوضاع بود که انتخابات نهم و وقایع بعد از آن را چنان کرد که دیدیم.

انترناسیونال: بنا بر این شما نقش کروبی و موسوی در وقایع سال ۸۸ را چطور توضیح میدهد؟ همین مفسرینی که اشاره شد معمولاً آنها را "رهبر" و یا "دستکم"



چهره های تاثیر گذار" وقایع ۸۸ و بقول اینها "جنبش سبز" قلمداد میکنند.

مصطفی صابر: هرکسی که حتی از دور وقایع سال ۸۸ را دنبال کرده باشد اینرا میتواند بفهمد که در موارد زیادی مردم نه فقط به فراخوانهای موسوی و کروبی عمل نکردند بلکه دقیقاً بر عکس آن رفتار کردند. برای مثال فراخوان موسوی بعد از تظاهرات های میلیونی روزهای اول این بود که به مساجد و تکایا بروید! مردم برعکس تظاهرات

داده که آنها نمی توانند مردم را از خیابان جمع کنند. خامنه‌ای تصمیمش را از پیش گرفته بود که بهر قیمت احمدی نژاد را از صندوق در بیاورد و با مشت آهنین در مقابل انقلاب که در واقع آغاز شده بود بایستد. میخواهم نتیجه بگیرم بر خلاف این تصویر ژورنالیستی و کاذب امثال بی بی سی و مفسرین سطحی اش این ابداء انتخابات ریاست جمهوری نهم و تقلب و "کودتای انتخاباتی" و نظیر آن نبود که سبب وقایع بعد از آن شد.

"اعتراضات پس از انتخابات"، یا انقلابی که دنیا را تغییر داد؟

گفتگو با مصطفی صابر

از صفحه ۲

عظیم و میلیونی از میدان فوزیه تا میدان آزادی برپا کردند. برخی از شعارهای مردم در واقع در پاسخ به مواضع مسخره و ارتجاعی موسوی بود. مثلاً شعار "مرگ بر اصل ولایت فقیه" جواب به "اجرای بی تنازل قانون اساسی" توسط موسوی بود. یا "جمهوری ایرانی" در مقابل تاکید وی بر "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی" طرح شد. در واقع مساله برعکس بود. این مردم بودند و بخصوص جوانان که در مورد تظاهرات ها تصمیم می گرفتند و در اینترنت و شبکه های اجتماعی اعلام میکردند و موسوی و کروبی هم دنبال مردم و انقلاب میدویدند. اینها خودشان هم بارها اعلام کردند که رهبر کسی نیستند. این مفسران که گفتید در واقع کاسه های داغ تر از آش اند.

اما موسوی و کروبی دنبال مردم میدویدند برای اینکه شاید در جایی خود را به انقلاب برسانند، مهار آنرا بدست بگیرند و از این موقعیت وارد مذاکره با خامنه ای و جناح اصولگرا بشوند. تا هم نظام اسلامی شان را نجات دهند و هم موقعیت خودشان را در جنگ قدرت در قبال جناح دیگر تحکیم کنند. این البته یک توهم بود اما بهر حال منطق حرکت موسوی و کروبی بود. که البته پشت سر خود کسانی چون خاتمی و رفسنجانی را هم داشتند. اینها هم بنویه خود امیدشان این بود تا در مقطعی میانجی بین موسوی - کروبی و خامنه ای شده و بعنوان محلل و "مرد بحرانه" وارد عمل شوند. در واقع مبنای واقعی ایفای نقش موسوی و کروبی همانا قدرت

سرکوب خامنه ای و جمهوری اسلامی بود. اینها نه نقش رهبری داشتند و نه اکثریت عظیم مردم توهمی به آنها داشتند. اما مادام که رژیم قدرت سرکوب و جنایت داشت و از هم نپاشیده بود انقلاب بطور عینی سعی میکرد اینها را بدنبال خود بکشاند تا شکاف در رژیم را عمیق تر کند. علاوه بر اینها باید اذعان کرد که انقلاب ۸۸ فاقد یک رهبری سیاسی تیز، منسجم و متمرکز با چهره ها و سخنگوییان خود بود. این ضعف اساسی انقلاب بود. این خلاء رهبری شناخته شده و با نفوذ کلام وسیع امکان مانور بیشتر به امثال موسوی و کروبی و قلمداد شدن بعنوان "رهبران" توسط مدیا میداد.

انترناسیونال: آیا انقلاب سال ۸۸ شکست خورد؟ نتایج آن چه بود؟

مصطفی صابر: انقلاب ۸۸ بعد از شش دی که دقیقاً به دلیل خلاء رهبری و فقدان یک سازمان منسجم هدایت کننده نتوانست در گام اول خود و تحقق شعار "مرگ بر دیکتاتور" پیروز شود، رویه افول گذاشت و سرانجام در برابر سرکوب وحشیانه رژیم از نفس افتاد. پیروز نشد، اما شکست هم نخورد. اوضاع پس از وقایع سال ۸۸ در ایران شباهتی به اوضاع جامعه ای که انقلابش شکست خورده ندارد. همین که سه سال بعد از آن انقلاب همه در مورد آن حرف میزنند، در بی بی سی و صدای آمریکا مفسرین می نشینند و میکوشند تا مگر بر محتوای عمیق و رادیکال آن خاک بپاشند، همین که خامنه ای و اوپاش باقیمانده دور و بر او هرروز دارند همدیگر را به "همراهی با فتنه" متهم میکنند و رژیم با هر آب بازی جوانان و ترانه خوانی آنها

کرد، بلکه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و فرهنگ سیاسی را تغییر داد. نه فقط چهره مرتجع و جنایتکار جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را در سطح جهان افشاء کرد بلکه نشان داد مردم عادی تا چه حد انسانی و متعالی و رادیکال هستند. معلوم شد که فرهنگ شرقی و اسلامی و خودی را باید برای همیشه به دور ریخت. اکنون خیلی واضح است که حکومت بعدی ایران نمی تواند مذهبی و ضد زن باشد. که آزادی بی قید و شرط سیاسی یک اصل تخطی ناپذیر جامعه خواهد بود. روشن است که مردم اجازه حاکمیت اعدام و زندان و

اوین را تحت هیچ عنوانی نخواهند داد. معلوم است که عنصر دخالتگری مردم و بدست گرفتن اداره امور بدست خود مردم یک فاکتور تعیین کننده تحولات بعدی خواهد بود. انقلاب ۸۸ مردم ایران را به جهان وصل کرد و به آنها نوعی هویت و همسرنوشتی جهانی بخشید. مردم تاثیر انقلاب خود در جهان را دیدند و از انقلابات و مبارزات مردم نقاط دیگر جهان آموختند. تردید نباید کرد در برآمد اجتماعی بعدی در ایران یک بار دیگر همه این مفسرین رنگارنگ و سطحی مبهور و حیرت زده خواهند شد.*



نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

سازمان پنج ملل، معضلی تاریخی در جهان امروز!

ریخته شد قدیمی و مربوط به آن بخش از تاریخی است که با جهانی شدن سرمایه، نیاز به سازمانی جهانی داشت تا با صلح و هماهنگی در تقسیم مجدد جهان بین قدرتمندترین کشورهای امپریالیستی به یکی از ضروری ترین نیازهای تاریخی خود جواب دهد. تاسیس این سازمان پاسخ به این معضل بود. با چشم پوشی و صرف نظر از رشت های حقوق بشری و ادای کدخدای محله بودن، این سازمان بیشتر نقش ابزاری داشته و با توجه به موازنه قدرت در بخش شورای امنیت با پنج عضو "وتوئی" گاهی در نقش ناظر و گاهی در نقش سیاهی لشکر پا به میدان نهاده است. اگرچه نیروی سرکوبگر نیست اما در تحمیل جهانی، بی همتاست. سایه ای از "روح جهان بی روح" است، کمیک است چرا که با پنج "حق وتو" وجودش خود، نقض غرض است، تراژیک است آنگاه که جدی گرفته شود، آنگاه که چشمهای امیدوار هزاران انسان ناامید به او دوخته شود. تاریخ نه چندان کوتاهش، خود شهادی بر ماجرا هاست.

قتل عام صدها هزارانفر کمونیست و آزادیخواه در اندونزی بوسیله سوارتو و چراغ سبز غرب، ضجه های امه سه زری در سوگ پاتریس لومومبا و قتل عامهای کنگو بوسیله بلژیکیها و عوامل محلیشان، جنگ اعراب و اسرائیل و قتل عام فلسطینی ها، بمباران هفتصد هزارتنی کامبوج بوسیله آمریکا، جنگ کره، بمباران ویتنام، جنایات آمریکا در آمریکای لاتین، جنایات رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، قتل عام يك و نیم میلیونی در رواندا، جنگ یوگسلاوی، جنگ خلیج،

باشد. در روزهای شروع انقلاب سوریه، اما چنین می خواندیم: "نسیم بهار عربی در سوریه"، "مردم مصمم اند انقلابشان را تا پیروزی نهائی و سقوط بشار اسد ادامه دهند"، "بدنبال بن علی و مبارک و قذافی نوبت دیکتاتور سوریه است"، "تظاهرات های صدها هزار نفره در سوریه"، "تظاهرات میلیونی مردم سوریه"، "مردم برای آزادی و یک زندگی انسانی به خیابان آمده اند"، "مردم مسلح می شوند"، "هزاران نفر نظامی به انقلاب مردم پیوسته اند".

تقلیل دادن واژه انقلاب به "جنگ داخلی" آنهم توسط مقامات بلند پایه سازمان ملل متحد، نه تنها نگرانی این سازمان از خطر سقوط اسد و افتادن قدرت به دست انقلابیون و رادیکال تر شدن انقلاب را نشان می دهد بلکه معضل اسرائیل را نیز وارد فاز جدیدی می سازد. با پیشروی و ادامه انقلاب مردم در سوریه، معادلات و بی ثباتی بیشتر در منطقه می تواند بضرر اسرائیل و کلا منافع غرب تمام شده و زمینه انزوای کامل اسلام سیاسی در منطقه را نیز فراهم سازد و امکان تعویض قدرت از بالای سر مردم را برای غرب بشدت محدود گرداند، در چنین فضائی نقش سازمان ملل بمشابه جاده صاف کن سیاستهای دول غرب و آلترا ناتیو سازی از بالا، بیشتر نمایان می گردد. شان نزول فرمول "جنگ داخلی" قرار است سیاستها و تاکتیکهای دول غرب و سازمان ملل را هم در رابطه با انقلاب مردم و هم در ارتباط با بازیه های مشمئز کننده دیپلوماسی، با رژیم اسد را توجیه نماید.

کل ساختمان عظیم و استراکچر سازمان ملل متحد که بعد از پایان جنگ دوم جهانی پی



شباب بهرامی

بدنبال اظهار نگرانی فرمانده نظامی ناتو و یکی از سخنگویان کوفی عنان مبنی بر احتمال "جنگ داخلی" در سوریه و همچنین هشدار تعدادی از سازمانهای حقوق بشری در این مورد، روز چهارشنبه آقای "هروه لادسوس" سرپرست نیروهای ناظر صلح سازمان ملل در سوریه تاکید کرد که جنگ داخلی در این کشور آغاز شده است، گفته می شود این نخستین بار است که يك مقام "سازمان ملل متحد" از شروع "جنگ داخلی" سخن گفته است. وی در جمع خبرنگاران در نیویورک گفت که شماری از شهرهای این کشور بدست مخالفین افتاده و افزود: "بر اساس گزارشهای تأیید شده ای که در دست داریم، دولت سوریه برای سرکوب مخالفان خود علاوه بر توپ و تانک، از هلی کوپترهای جنگی نیز استفاده می کند".

مقایسه و تغییر تیتیر روزنامه ها در این روزها با یکسال گذشته قابل تعمق و باور نکردنی است: "تشکیل گروه بین المللی تماس برای حل صلح آمیز بحران در سوریه"، درگیری مسلحانه ارتش سوریه و "دستجات مسلح"، دادن "آخرین شانس به اسد"، "بمب گذاری و حملات تروریستی در دمشق"، "پیشنهاد دعوت از ایران برای کمک به صلح در سوریه"، "بحران سوریه امری داخلی است"، "با سقوط اسد، جامعه مدنی سوریه از هم می

بازتاب هفته

از ۷ میلیون پرونده تا رانت ۲۵ هزار میلیارد تومانی!



محمد شکوهی

به عرصه سودآوری برای سرکیسه کردن مردم تبدیل کرده اند. هر کسی به هر دلیلی دستگیر بشود برای آزادیش "وثیقه آزادی از زندان" باید پرداخت نماید. میانگین پرداخت وثیقه در جرایم مالی، جنایی بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان می باشد. برای زندانیان سیاسی دستگیر شده این مبلغ از ۴۰۰ میلیون تومان شروع می شود. بدین ترتیب سیستم قضایی، دادرسی، دادگاهها و زندانهای رژیم يك منبع دیگر آمد حکومت جانیان برای تشدید سرکوب مردم شده است. از این طریق رژیم سالیانه هزاران میلیارد تومان پول مردم را به بهانه های گوناگون بالا کشیده و از قبل این پول ضمن پرداخت هزینه سیستم سرکوبگر قضایی اش، سالانه چندین زندان و بازداشتگاه نیز می سازد. چند ماه پیش اسماعیلی رئیس سازمان زندانهای رژیم با بی شرمی و قاحت اعلام کرد: "کل سیستم قضایی از دادگاهها و دادگستریها گرفته تا زندانها دارند از نظر مالی خودکفا می شوند!" زندان و پرونده سازی، در کنار تشدید فضای جو و سرکوب در جامعه، سرکیسه کردن مرد به بهانه های مختلف و کشاندن آنها به دادگاهها، يك سیاست همیشگی حکومت جانوران اسلامی بوده و می باشد. زندان، سرکوب، اعدام و وثیقه های میلیونی ابزارهای حفظ حکومت هستند.

رانت ۲۵ هزار میلیارد تومانی دلار دو نرخی!

طبق ارقام منتشر شده از سوی بانک مرکزی نرخ ارز آزاد و

غلامرضا سعیدی قائم مقام وزیر دادگستری: "هفت میلیون پرونده قضایی و ۲۵۰ هزار زندانی داریم. حدود ۲۰ میلیون نفر در معرض آسیب در کشور زندگی می کنند". این اولین باری نیست که مقامات رژیم از وجود میلیونها پرونده قضایی صحبت می کنند. سال گذشته هم بختیاری وزیر دادگستری اعلام کرد: "۶ میلیون پرونده قضایی دارد، ۱۶ میلیون نفر با این موضوع درگیر هستند!" با این حساب از سال گذشته تا اوایل سال ۹۱ تعداد پرونده های قضایی ۱ میلیون و تعداد خانواده های درگیر این پرونده ها نزدیک به ۴ میلیون نفر افزایش داشته است. با احتساب جمعیت ۷۵ میلیون نفر، يك سوم جمعیت کشور پرونده قضایی داشته و بیش از ۲۰ میلیون نفر با سیستم قضایی، دادگاهها و پرونده های مربوطه درگیر می باشند. به عبارتی ورودی پرونده های قضایی در طول این مدت بیش از ۲۵ درصد افزایش را نشان میدهد. این آمار تعداد پرونده ها نشان میدهد که حکومت نزدیک به يك سوم مردم را به عناوین مختلف دستگیر، جلب و زندانی و برایشان پرونده درست کرده است. در کنار این پرونده سازیه، جانیان اسلامی عرصه قضایی و سیستم دادرسی شان را

بازتاب هفته

افتادن طشت رسوایی نظام
از پشت بام

مهراب دشتی

روزنامه‌ی جمهوری اسلامی گزارش داد که در تاریخ نهم خرداد یک پیرمرد بازنشسته، جلوی ایستگاه متروی بهارستان از تیر چراغ برق بالا رفت و با صدای بلند اعلام کرد که خود را به پایین پرت خواهد کرد. روشن است که عده‌ی زیادی دوش جمع شدند و از او خواسته‌اند که این کار را نکند. معمولاً این طور است چون که کمتر کسی پیدا می‌شود که دلش بخواهد یک نفر خودش را حلق آویز کند یا بسوزاند و یا از ارتفاعی به پایین بیندازد. این بازنشسته، علت کارش را فقر و مشکلات زیاد مالی و هدفش را جلب توجه مسئولین عنوان نمود.

اقدام این پیرمرد را باید نمونه‌ی هزاران اعتراضی به حساب آورد که همه روزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری و تبعیض و دزدی و چپاول ثروت‌های مردم صورت می‌گیرد. اگر این بازنشسته می‌خواست خود را از زندگی فلاکت بار خلاص کند، چه بسا که در خانه‌ی خود و یا در گوشه‌ای دست به این کار می‌زد. مثل صدها نفر دیگری که زیر فشار زندگی خرد شده و آخرش کارشان به خودشان کشیده می‌شود. اما این مرد، جای پر رفت و آمدی را برای اعلام انجام این کار انتخاب کرده بود. جایی که دوطرفش، دونهاد مهم رژیم یعنی وزارت ارشاد اسلامی و مجلس قرار دارند. اگر "ارشاد!" جز سانسور و تبلیغ و ترویج خرافات و راه انداختن گشت‌های مردم آزار و ده‌ها مزاحمت دیگر چیزی برای این پیرمرد و فرزندان و نوه‌هایش ندارد که ارائه بدهد، مجلس که ظاهراً می‌باید به درد پیرمرد رسیدگی کند! البته این بازنشسته و مردم علی‌العموم می‌

دانند که این مجلس، سر و ته همان کرباسی است که با آن قبای رژیم را دوخته‌اند و عنقریب است که باید این جنازه‌ی متعفن را در همین کرباس بپیچند و به گور سپرد. سوای از انتخاب محل اعتراض که معنی دار است، باید به پیام اصلی این کار هم توجه نمود. همان طور که دیدیم، پیرمرد با دخالت نیروی انتظامی، از تیر برق پایین آمد و بعد هم آنها او را به جرم اقدام علیه امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی، دستگیر و روانه‌ی زندان کردند. چون اعتراض به گرانی و فقر امنیت ملی، یعنی امنیت این دزدان میلیاردر را به خطر میندازد. چون تجربه انقلاب تونس را دیده‌اند و چگونه مردم علیه گرانی و فقر دیکتاتوری را از قدرت به زیر کشیدند. روشن است که پایین آمدن پیرمرد از تیر برق به معنی پایین آمدن از خواسته‌ی برحقش نیست بلکه پایین افتادن مجدد طشت رسوایی رژیمی است که زندگی مردم را به گروگان گرفته است. اقدام این بازنشسته‌ی سالمند در حقیقت سند محکومیت رژیمی است که نه تنها دستمزد کارگران را نمی‌دهد و فعالینشان را به بند می‌کشد، بلکه مقرری بخور و نمیر بازنشستگان و از کارافتادگان را نیز از آن‌ها دریغ می‌کند. از همه‌ی این جنایات‌ها که بگذریم، اقدام پیرمرد بازنشسته در حقیقت افشای رژیمی است که مزدور جنایتکاری مانند سعید مرتضوی را در رأس بیمه و تامین اجتماعی می‌گمارد تا با ندادن حق و حقوق کارگران و بازنشستگان، از ثروت عظیمی که از استثمار کارگران و کارمندان در بیمه تامین اجتماعی جمع شده است، به نفع سران دزد جمهوری اسلامی، پاسداری کند.*

محمد شکوهی

بیش از شش ماه است که پرونده دزدیهای کلان هزاران میلیاردر دزدیهای رژیم در حال رسیدگی می‌باشد. ماجرا از "کشف" دزدی ۳ هزار میلیاردی در اواخر شهریور سال گذشته، که به پرونده بزرگترین دزدی حکومت معروف شده، آغاز شد و اکنون به ماجرای دزدی در شرکت بیمه ایران رسیده است. علیرغم تلاش‌های باندهای حکومتی برای ماسمالی کردن ابعاد دزدیهایشان، موضوع دزدی و اختلاس دولتی‌ها و مقامات حکومت تا آنجا رفت که خود خامنه‌ای ناچاراً و برای "حفظ آبروی نظام" خواستار رسیدگی به این موضوع و محاکمه دزدان حکومتش شد.

در اولین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان دزدی ۳ هزار میلیاردی که اواخر مهر سال گذشته برگزار شد، اژه‌ای اعلام کرد که بر اساس اعترافات ۱۴ متهم اولیه این دادگاه چندین مقام بلند پایه حکومتی در این دزدیهای دست داشته و "جاده صاف کن" این کار بوده‌اند. دوماه بعد او دوباره اعلام کرد که براساس تحقیقاتش بیش از ۱۰۰ نفر در این دزدی دست داشته‌اند که از این تعداد ۹۰ نفر دستگیر شده و به زودی محاکمه خواهند شد. در ادامه تحقیقات دادستانی و "اشارات" پورمحمدی رئیس دیوان محاسبات رژیم، قوه قضائیه اعلام کرد که تعداد افراد درگیر در این دزدی به بیش از ۱۴۵ نفر رسیده است. به گفته حکومت تحقیقات بیشتری که براساس اعترافات متهمان دستگیر شده انجام شده است، سرخ‌های این دزدی گسترده بوده و پای مقامات بلند پایه حکومتی

و دولتی نیز به میان کشیده است. در جریان برگزاری دادگاه متهمان مشهور این دزدی، امیر منصور آریا، مه آفرید خسروی به همراه چند نفر دیگر از معاونان سابق بانکها و وزارت خانه‌ها، دست به افشای اسامی مقامات حکومتی که در دزدیها دست داشته‌اند، زدند. در جلسه آخر سال گذشته این دادگاه متهمان در چندین جلسه "تهدید" کردند که اگر "مراجع دیگر نظام" به این متهمان فشار بیشتری وارد بیاورند، آنها اسامی مقامات حکومت که در دزدیها دست داشته‌اند را، افشا خواهند کرد.

با اعلام افشای اسامی مقامات حکومت، این امر تبدیل به یک دعوا بین دولت و مجلس و قوه قضائیه شد. قوه قضائیه به متهمان فشار آورده بود که از آوردن اسامی مقامات دولتی که در دزدیها دست داشته‌اند خودداری نمایند. متقابلاً احمدی نژاد و دولتی‌ها هم که یک پای این دزدیها هستند به قوه قضائیه "هشدار" دادند که اینها هم به سهم خود پرده از دزدیهای سایر مقامات بالای نظام بر خواهند داشت. در توافق و زد و بند بین دولت و مجلس و برخی دیگر از مقامات رژیم در آخر سال گذشته به نظر میرسد که به توافقاتی در مورد کوتاه آمدن در برابر همدیگر و فقط محاکمه همان ۱۰۰ نفر رسیده‌اند. در حول و حوش انتخابات مجلس هر دو طرف درگیر در امر دزدی شروع به استفاده از اعترافات متهمان در دادگاهها برای تبلیغات انتخاباتی بر علیه همدیگر کردند. پلاکاردهای تبلیغی در خیابانهای تهران هوا کردند و اسامی تعدادی از دزدان طرفین را لیست کرده و اعلام

کردند که: "مردم به این دزدها رای ندهید!" با. با پایان یافتن انتخابات مجلس دوباره جنگ و دعواها به شکل دیگری ادامه یافت و هر دو طرف دزدیها شروع به افشای اسامی و اعلام اسامی همکاران دولتی و مجلسی دزدها کردند. در این میان دولتی‌ها خاوری مدیر عامل بانک ملی را به عنوان متهم اصلی اعلام کرده و تلاش کردند که با قربانی کردن او و همکاران اصلی اش مه آفرید خسروی و امیر منصور آریا موضوع را تمام نمایند. همزمان باند دیگر حکومت در مجلس اسامی برخی مقامات دولتی در وزرات خانه‌های بازرگانی، صنعت و معدن، گمرکات، استاندارها، وزارت نفت، شرکت ملی گاز ایران، چندین معاون بانک‌های ملی، سپه، صادرات و مرکزی را به همراه برخی نمایندگی‌های رژیم در خارج کشور که در دزدیها فعال بودند را، افشا کردند. در این میان اسامی عناصر دولت چون محمد رضا رحیمی معاون اول احمدی نژاد، مشاوران محمود بهمنی رئیس فعلی بانک مرکزی، محمد جهرمی مدیر عامل اسبق بانک صادرات، بهبهانی وزیر راه سابق و معاونانش، حمید پورمحمد گل سفید قائم مقام سابق بانک مرکزی و یک عضو جدید شورای پول از طرف مجلسی‌ها به عنوان همکاران این دزدیها اعلام شد.

در واکنش به این اقدام مجلسی‌ها برخی از متهمان که در دادگاه بودند اعتراف کردند که سایر مقامات عالیرتبه حکومت و حتی افراد نزدیک به بیت رهبری هم در دزدیها دست داشتند.

اعدام قتل عمد دولتی خاطره ای فراموش نشدنی از منصور حکمت



شلا دانشفر

از صفحه ۱

برخورد نشود، رژیم به سیاست اعزام جاسوسانش به صف ما شدت خواهد داد. یکی از این پرونده ها به زیر دست من آمد. پرونده ها را ابتدا در دادگاه بدوی کوموله بررسی می شد، در آنجا درباره آن حکم میدادند و بعد از کیفرخواست بدست ما که در دادگاه مرکزی بودیم، می آمد تا در موردش تصمیم نهایی اتخاذ شود. دادگاههای کوموله نیز علنی بود، به این معنی که از قبل همه را خبر میکردیم. وسط روستا سکویی می گذاشتیم و متهم و وکیل و قاضی از میان پیشمرگان حضور پیدا میکردند و متهم در حضور پیشمرگان و مردم روستایی که در آن بسر میبردیم محاکمه میشد.

مواجه شدن من با پرونده ای با حکم اعدام برایم یک شوک بود. اولین بار بود که با چنین مساله ای روبرو میشدم. در جلسه ای که بر سر این موضوع داشتیم، سکوت کردم. قرار بود فردای آن روز حکم اعلام شود. تمام شب را با این موضوع کلنجار رفتم. ساعات به سختی میگذشت و در طول شب همه آنچه در مورد کمونیسم و یک دنیای بهتر، در مورد کمونیسم و نجات جان انسانها خوانده و به باورم تبدیل شده بودند را در ذهنم مرور میکردم. بویژه من به عنوان یک زن در موقعیت دشواری قرار داشتم. میدانستم اگر مقاومت کنم با مخالفت روبرو خواهم شد و در آن محیط سخت و نظامی، احتمالا به بحث هایی مانند اینکه زنان جسارت اتخاذ چنین تصمیماتی را ندارند، دامن میزد.

نیمه های شب بود که یکباره به یاد منصور حکمت افتادم. به طور واقعی نقش منصور حکمت

داشتیم در این رابطه پیامی دو خطی از منصور حکمت رسیده است. در برابر این تصمیم بحث داغی در اردوگاه بر سر این موضوع در گرفت. فضای اردوگاه به فضای جلوی دانشگاه در اوایل قیام شبیه شده بود و بحث ها داغی بر سر این موضوع در گرفته بود. بحث های جالبی بر سر کمونیسم که انسانیت محور اصلی آن بود. عده ای با استدلالاتی که بالاتر آوردم مدافع اعدام انقلابی بودند و عده ای علیه آن. رهبری کوموله نیز با کل بحث همراه شده و تلاش داشت ابهامات پیشمرگان را پاسخ دهد.

خلاصه کلام اینکه نامه من و برخوردهای دیگری که پیش آمده بود، باعث شد که مباحثی در دفتر سیاسی حزب در مورد نحوه برخورد حزب کمونیست به اسرای جنگی و عوامل رژیم مطرح شود. قارهایی نیز در این رابطه به تصویب درآمد. بدین ترتیب پرونده چپ سنتی و بحث اعدام انقلابی برای همیشه در حزب کمونیست و جنبش ما بسته شد و منصور حکمت پرچم "نه به اعدام" را برافراشت.

پس از آن در آبان ۷۹ فصلنامه خاوران مصاحبه ای با منصور حکمت تحت عنوان "مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است" داشت که به راستی یک در افزوده تاریخی و اثری به جا ماندنی است. او لب کلام را در همان اولین سوال و در سر در مطلب بیان ادا کرده و مینویسد: "مجازات اعدام اسم دولتی

کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل می رسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هردو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و یا یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانه ترین و کثیف ترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجایی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند."

از آن زمان ۱۱ سالی میگذرد و امروز ما با جنبش قدرتمندی علیه اعدام روبرو هستیم که چهره جهانی آن مینا احدی است و بطور واقعی منصور حکمت مشعلدارش بود. همچنین امروز یکی از مشخصه های حزب کمونیست کارگری و کمونیسم ما مبارزه علیه اعدام است و همه جا قاطعانه اعلام کرده ایم که جامعه ای که ما از آن سخن میگوییم و خواهان آن هستیم، اولین قانونش لغو مجازات اعدام است.

برای شخص من این خاطره بیاد ماندنی همواره با این گفته منصور حکمت که "اساس سوسیالیسم انسان است"، همراه میشود. به راستی یاد منصور حکمت گرامی باد.*

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقض عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود. از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

اساس سوسیالیسم انسان است!

از ۷ میلیون پرونده تا رانت ۲۵ هزار میلیارد تومانی!

از صفحه ۴

نرخ ارزی که برای عموم مردم قابل دسترس است در سال گذشته با جهشی کم سابقه از ۱۱۱۹ تومان به ۱۸۷۸ تومان رسیده است.

در حساب و کتابی که خود بانک مرکزی انجام داده اعتراف کرده است که: رانت حاصل از تفاوت قیمت ارز دو نرخ در سال گذشته رقمی بالای ۲۵ هزار میلیارد تومان می باشد که به جیب دولت رفته است!

در همین حال مرکز پژوهشهای اقتصادی رژیم به مقایسه این درآمد دولت از محل نوسات نرخ ارز و سودهای کلانش از قبل آن را با کل هزینه های عمرانی دولت در سال گذشته پرداخته و اعلام کرده است که: "کل عملکرد بودجه عمرانی دولت در سال ۹۰ حدود ۱۵،۷ هزار میلیارد تومان بوده،

یعنی رانت دو نرخ شدن ارز در سال ۹۰ معادل ۱،۵ برابر کل عملکرد عمرانی بوده است!"

اینها آمار و ارقام سودهای افسانه ای دولت فقط از محل نوسانات قیمت دلار می باشد. دولت خودش به عنوان عرضه کننده و بخشا فروشنده دلار و ارز های خارجی کنترل قیمتها و بازار ارز را در دست داشته و آن را مطابق با سیاستهای پولی اش "تنظیم" می کند. این عرصه اقتصاد مالی سودآورترین بخش اقتصاد مافیایی بعد از صادرات نفت، پتروشیمی و مواد معدنی برای دولت بوده است. خود مجلسی ها و ارگانهای حکومتی به ابعاد رانت یا دزدی قانونی دولت اعتراف کرده اند. دزدی دولت نزدیک به دو برابر کل بودجه عمرانی حکومت در سال گذشته بوده است. این آمار و ارقام نشان میدهد که دزدی، رانت

خواری، مافیای قدرتمند پشت سیاستهای پولی و... تنها یک هدف داشته و دارد و آن سازمان دادن دزدی و غارت، چپاول ثروتهای جامعه است.

همه این آمار و ارقامی که حکومت در مورد زندانیان و پرونده های قضایی داده، در کنار رانت ۲۵ هزار میلیارد تومانی که به آن اعتراف کرده اند، نشان میدهد که حکومت اقلیتی مفتخور با اتکا به دم و دستگاه سرکوب و زندان، کل مملکت را عرصه تاخت و تاز دزدیهای قانونی کرده، فقر و فلاکت و زندگی زیر خطر فقر را بر مردم تحمیل کرده اند. حکومت به غیر از این کاری نداشته و ندارد. برای پایان دادن به این وضعیت، حکومت دزدان و به همراه آن زندان، سرکوب و اعدام را در اولین قدم باید بزیر کشید.*

سازمان پنج ملل، معضلی تاریخی در جهان امروز!

از صفحه ۴

عراق و افغانستان، بهار عربی و اینک انقلاب مردم سوریه، اینها فقط بخش ناچیزی از دامنه و ابعاد فجایی است که بر سر مردم جهان طی کمتر از پنجاه سال نازل گشته است اما دو نمونه از آن تاریخ نشان می دهد که این سازمان، کدام "طرف تاریخ" ایستاده است.

در سال ۱۹۸۷ میلادی نماینده سازمان ملل در تایلند در اعتراض به سیاست این سازمان و همکاری آن با ارتش آمریکا از سمت خود استعفا داد. وی شواهدی در دست داشت که نشان

می داد ارتش آمریکا بوسیله کامیونهای این سازمان آذوقه و مهمات را برای تحویل به "پل پوت" و بقایای نیروهای "خمر سرخ" به اعماق جنگلهای مرزی گسیل می دارد. در حالیکه پل پوت و یارانش به جرم قتل عام و جنایت تحت تعقیب نهادهای بین المللی منجمله خود سازمان ملل بودند. در اواخر سال ۱۹۹۵ کارمندان سازمان ملل در کشور رواندا (زئیر) پرده از برنامه ریزی یک قتل عام میلیونی بوسیله دولت و نیروهای میلیسش برداشته، تقاضای اعزام نیرو برای جلوگیری از یک فاجعه عظیم انسانی نمودند. دوماه قبل از وقوع این فاجعه سازمان ملل نه تنها اقدامی نکرد

ماجرای دادگاه دزدی ۳ هزار میلیاردی دزدان حکومتی را بشناسید!

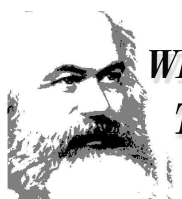
از صفحه ۵

حکومت، حکومت دارد خودش را محاکمه میکند. اعتراف به دزدی کلان مقامات بلند پایه حکومت از دار و دسته های رنگارنگش می کند، ساخت و پاختها، راههای راست وریست و قانونی کردن دزدیهایشان را در دادگاههای خودشان تأیید می کنند، برای همدیگر شاخ و شانه می کشند و تهدید به افشای باز هم بیشتر می کنند، دزدی و توصیه به دزدی و حمایت مقامات بالای نظام و بیت رهبری از دزدان را رو می کنند.

حکومت دزدان و قاتلان در برابر جامعه ناچار شده است بخشی از دزدانش را برای سالم بدر بردن کل نظام کثیف از زیر ضرب اعتراض و نفرت مردم، به دادگاه کشانده تا از خودش "رفع اتهام" کند. حکومت اسلامی سرمایه داران هر تقلایی برای خرید آبرویش بکند، حتی اگر دزدان کوچک را محاکمه و محکوم نماید به این امید واهی که از آبروریزی بیشتر جلوگیری کند، نخواهد توانست در این واقعیت در نزد افکار مردم عمومی مردم ایران خدشه ای وارد نماید که جمهوری اسلامی، از خامنه ای و احمدی نژاد گرفته تا کل نظام کثیفش، حکومت دزدان و قاتلان مردم ایران بوده که به غیر از دزدی، کشتار، تحمیل فقر و فلاکت همراه با سرکوب خونین مردم کاری دیگری نداشته و ندارد و باید گورش را کم کند.*

از جمله علالدین بروجردی دبیر کمیسیون امنیت ملی در مجلس، مرتضی تمدن استاندار تهران و تعداد دیگری از مقامات بلند پایه نظام نام برده شده اند. در آخرین جلسات رسیدگی به پرونده دزدی ۳ هزار میلیاردی که اخیراً برگزار گردید، متهمانی که در ارتباط تنگاتنگ با خواری و جهرمی و منصور آریا بودند، از چگونگی کمک بانک مرکزی با اجازه محمود بهمنی و رئیس گمرکات کل رژیم، بانک صادرات برای راست وریست کردن دزدیهای قانونی شان پرده برداشتند. متهمان همچنان تهدید می کنند که در جلسات آینده این دادگاهها اسامی سایر مقامات حکومت را نیز افشا خواهند کرد.

ماجرای دزدی ۳ هزار میلیاردی و افشاگریهای که در جریان است، پرده از دست داشتن مقامات دولت، مجلس و دایره تحت نفوذ خامنه ای از زبان خود حکومت برداشت. متهمان با حزنهای شرح ماجراهای دزدی و بذل و بخشش های میلیاردی مقامات حکومت را جلوی رسانه های حکومتی افشا کردند. بدین ترتیب موضوع دزدی کلان و رسیدگی به این پرونده تبدیل به یک افتضاح سیاسی برای کل حکومت شده است. در برابر چشمان مردم متنفر و خشمگین از



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جمهوری اسلامی ایران به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه می شود!

دادگاه "ایران تریبونال": لندن، ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲

سرانجام و در نتیجه تلاش عده ای از خانواده های بازماندگان جنایات جمهوری اسلامی و شماری از کسانی که از جنایات رژیم جان بدر بردند و با حمایت و همکاری فعالین سیاسی اجتماعی، دادگاهی برای رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی برگزار میگردد. دادگاه "ایران تریبونال" در دو مرحله صورت می گیرد. مرحله اول ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ در سازمان عفو بین الملل در لندن و مرحله دوم، چهار ماه پس از آن و در ماه اکتبر در لاهه برگزار میگردد. در اطلاعیه ای که "کارزار

مردمی ایران تریبونال" در تاریخ ۱۰ آوریل سال جاری منتشر کرده است، از جمله آمده است: "یک تیم بین المللی حقوقی، متشکل از سرشناس ترین و مجرب ترین حقوقدانان بین المللی و ایرانی؛ پرفسور جان کوپر، پرفسور ریچارد فالك، سیر جفری نایس، پرفسور اریک دیوید، پرفسور پیام آخوان، دکتر نانی هورماشیا، دکتر هدایت متین دفتری و پرفسور کادر اسمال (زوتیه ۲۰۱۱ در اثر سکنه قلبی در گذشت)، این دادگاه مردمی را سازماندهی کرده و با دعوت از شخصیت های حقوقی و غیرحقوقی و قضات

سرشناس جهانی همراه با یک تیم دادستانی متشکل از هشت حقوقدان ایرانی و غیرایرانی به سرپرستی پرفسور پیام آخوان و سیر جفری نایس، آن را برگزار می کنند" در این دادگاه بیش از صد شاهد شامل خانواده های جانبختگان و جان بدربردگان دهه شصت حضور خواهند یافت. برگزاری دادگاه "ایران تریبونال" گام مهمی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران و پیش درآمدی برای محاکمات گسترده تر همه آمران و عاملان بیش از سه دهه جنایت و آدمکشی

سیستماتیک در ایران است. نفس برگزاری این دادگاه گام مهمی در مبارزه علیه جمهوری اسلامی و در جهت اجرای عدالت است. اگر دول غربی همراه با سازمانهای جهانی نشان چشم بر ۳۳ سال جنایات رژیم اسلامی در ایران بسته اند، خانواده جانبختگان و جان بدربردگان جنایات این رژیم در کمال شجاعت رژیمی را که هنوز در حاکمیت است به دادگاه میکشند.

حزب کمونیست کارگری ایران برگزاری دادگاه "ایران تریبونال" را به خانواده های جانبختگان دهه شصت، همه مردم ستمدیده ایران و

به همه آزادیخواهان تبریک میگوید و دست همه کسانی که در برگزاری آن تلاش کردند را میفشارد. حزب کمونیست کارگری ایران از همه احزاب و سازمانها و فعالین سیاسی دعوت میکند که از این کارزار حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ خرداد ۹۱
۹ ژوئن ۲۰۱۲

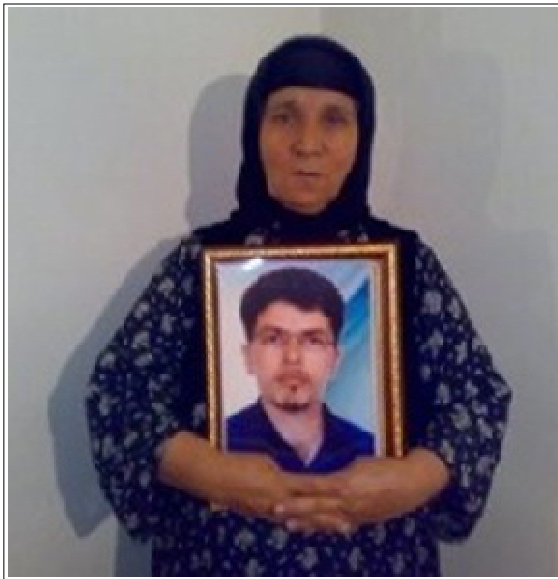
برای تماس با کارزار به آدرس زیر مراجعه کنید.
info@irantribunal.com

پیام مادر فرزند کمانگر به مناسبت مراسم یادی از فرزاد!

روز شنبه ۹ ژوئن ۲۰۱۲ در دانشگاه فرانکفورت مراسمی به یاد فرزند کمانگر برگزار گردید که پیام مادر فرزند توسط محمدمامین کمانگر در این مراسم قرائت شد. همراهان و هم سنگران فرزاد! درود به همه شماها، از دور دست و رویتان را می بوسم. عزیزانم تا زمانی که شماها ادامه دهندگان راه و اهداف فرزند هستید و تا زمانی که بشریت زنده است فرزاد زنده است. من هم اکنون در میان شماها نیستم تا صدا بر آورم که تمام همراهان و همفکران فرزاد در هر کجای دنیا که قرار دارید، پسران من، برادران من، دختران من و خواهران من هستید.

مردم گرسنه اند و دنیا زیر فشار گرسنگی است. صدای فرزاد کمانگر، صدای این معلم، صدای گرسنگان، صدای پا برهنه ها بود. صدای دانشجویان در بند، صدای کارگران بیکار بود. صدای این معلم، صدای اعتراض دانش آموزانی بود که نه کفشی بپا و نه لباسی درست و حسابی به تن دارند. صدای این معلم صدای خانه بدوشانی بود که سالیان سال است خانه و کاشانه ای ندارند. او زندگی این انسانها را با زندگی لوکس مشتی مفتخور سرمایه دار مقایسه می کرد و همیشه این نابرابری را توضیح می داد. این ناعدالتی را به شاگردانش می گفت و اعتراض به این ناعدالتی را امر تهیدستان و مزدبگیران درس می داد.

را به جرم توضیح این ناعدالتیها کشتند. فرزاد عضو هیچ سازمانی، حزبی، و گروه خاصی نبود. اما با مرگش حزبی را بنیان نهاد که در سراسر دنیا میلیونها انسان عضو آن شدند. حزب انسان بودن، حزب انسانیت. من می دانم که در جهان میلیونها انسان شریف عضو آن هستند و از اینجا به تک تک آنان سلام و درود می فرستم. من بارها گفته ام و باز خواهم گفت، تا گرسنگی هست، تا نابرابری هست، تا انسانیت زنده است فرزاد و فرزادهای نخواهند مرد. این را من همیشه گفته ام که، فرزاد فقط فرزند من نبود فرزند همه انسانهای شریف دنیا بود. اینرا از زنان و مردان افغانستان پی رسید از مردم کردستان عراق پی رسید و از هر جایی که شما ها زندگی می کنید. حرکت فرزاد از کردستان شروع شد و هم اکنون به سراسر جهان گسترش یافته است. عزیزان من، من افتخار می



کنم که چه خانواده بزرگی دارم، خانواده ای به وسعت جهان، و میلیونها انسان شریف در آن شیت نام کرده اند، که راه این انسانها راه فرزاد و صدای آنان صدای فرزاد است. می دانم از کردستان تا هر جای دیگر دنیا، صدایی علیه گرسنگی، علیه نابرابری، علیه ناعدالتی بلند شود آن صدا برای من آشناست. من آن صدا را می شناسم. من آن صدا را در آغوش بزرگ کرده ام. آن صدای فرزاد و همراهان فرزاد در سراسر جهان است. او کسی بود که قلبش را به انسانی به کودکی می داد که صدای این اعتراض را به چهار گوشه جهان برساند. شما این پیام مرا به هر زبانی که می دانید به جامعه جهانی برسانید. باز به همه آزادیخواهان جهان درود می فرستم. سلطنه مادر فرزاد کمانگر

کارگران پتروشیمی های ماهشهر به یک موفقیت بزرگ دست یافتند

از صفحه ۱

سینا، پتروشیمی ارون، ره آوران فنون پتروشیمی و پتروشیمی های تندگویان، فجر و خوزستان از جمله مراکزی هستند که قرارداد مستقیم شامل آنها خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری این موفقیت را به کلیه کارگران پتروشیمی های ماهشهر و خانواده های آنها تبریک میگوید و بر تداوم اتحاد آنها برای تثبیت این موفقیت و مبارزه برای سایر خواست های خود فرامیخواند. مجمع عمومی و نمایندگان کارگران پتروشیمی های ماهشهر نقش مهمی در این موفقیت ایفا کرده اند و اکنون نیز باید بر پروسه عملی این خواست نظارت کنند تا کامل و بدون کم و کاست اجرا شود و جلو سیاست تفرقه در میان کارگران گرفته شود. این موفقیت راه اعتراض و موفقیت کارگران در سایر پتروشیمی ها اعم از دولتی یا خصوصی، در مراکز مهمی مانند نفت و ایران خودرو و ذوب آهن و کارگران سایر شرکت های پیمانی در سراسر کشور را بسیار هموارتر کرده است. در عین حال این موفقیت کارگران پتروشیمی های ماهشهر را در موقعیت مناسبی برای پیوستن به تحرك جدیدی که در مبارزه برای افزایش دستمزدها شروع شده، قرار داده است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
زنده باد همبستگی و مبارزه
متحده کارگران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ خرداد ۱۳۹۱
۱۴ ژوئن ۲۰۱۲

های دولتی در منطقه ماهشهر خواسته شده است که تا روز ۲۵ خرداد لیست کلیه کارگران و کارکنان شرکتهای پیمانکاری را برای انعقاد قرارداد مستقیم در اختیار نهادهای ذیربط قرار دهند. قرارداد مستقیم پتروشیمی ها با کارگران و برچیدن شرکت های پیمانکاری، اصلی ترین خواست مبارزه کارگران پتروشیمی های ماهشهر در ۱۵ ماه گذشته بوده است. نزدیک به ده هزار کارگر پتروشیمی های ماهشهر از اواخر اسفند ۸۹ مبارزات متحدانه و قدرتمند خود را شروع کردند تا نهایتاً وزارت نفت را مجبور به صدور این بخشنامه کردند. تجمع بزرگ کارگران در اواخر اسفند ۸۹ و اعتصابات متحدانه کارگران در ماههای فروردین و مهر سال ۹۰ بخشی از مبارزه ای بود که هربار دولت را به عقب نشینی هائی وادار کرد تا اینکه سرانجام دولت مجبور به پذیرش خواست اصلی آنها شد. هنوز این خواست عملی نشده و کارگران باید همچنان مانع وقت خریدن توسط وزارت نفت و مسئولین پتروشیمی ها بشوند، اما تا همینجا این يك موفقیت مهم برای کارگران پیمانکاری مجتمع های پتروشیمی دولتی در ماهشهر و برای کل کارگران ایران است.

کارگران پتروشیمی بندر امام، شرکت پژوهش و فن آوری پتروشیمی، شرکت مدیریت توسعه صنایع پتروشیمی، شرکت عملیات غیر صنعتی و خدمات صنایع پتروشیمی، شرکت کالای پتروشیمی، پتروشیمی بوعلی

حزب کمونیست کارگری در باره گرانی نان: نان، آزادی، برابری!

سوسیالیستها و فعالین آزادی و برابری را فرا میخواند تا فعالانه در اعتراض مردم به گرانی نان شرکت و دخالت کنند. اعتراض به گرانی نان باید هرچه وسیعتر و گسترده تر شود و تکیه گاهی برای تعرض بیشتر بر جمهوری اسلامی گردد. همچنان که شعار خود مردم نیز تاکید دارد نان را بدون آزادی و برابری نمی توان به معنای واقعی تامین کرد. و شرط اول همه اینها این است که رژیم اسلامی و کل بساط جنایت آیت الله های میلیاردر را همراه با همه مدافعان رنگارنگ آن به گور سپرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ خرداد ۱۳۹۱
۱۲ ژوئن ۲۰۱۲

است. جناح مغضوب رژیم و شارلاتانهای که تحت عنوان "راه سبز امید" در پی اصلاح و در واقع ابقاء جمهوری اسلامی هستند نیز به تکاپو افتاده اند و میکوشند از پیش افسار "سکوت" را بر گردن اعتراضات محتمل مردم آویزان کنند. اما به گزارش یکی از فعالین حزب مردم با نوشتن شعار "نان، آزادی، برابری" بر دیوار نانوائیها از هم اکنون اعتراض علیه گرانی نان را آغاز کرده اند. حزب همه کارگران و مردم ایران را فرامیخواند تا به گرانی نان اعتراض کنند و علیه بیکاری و فقر و فلاکت، علیه کل حکومت آدمکش اسلامی و برای بدست گرفتن اختیار زندگی خود به میدان بیایند. حزب همه اعضا و دوستداران خود، همه

نان منبع اصلی غذایی در ایران بشدت گران شده است. کارگران و توده های عظیم مردم که تا همینجا زندگی شان تحت حاکمیت آیت الله های میلیاردر و تحریم های اقتصادی و حذف یارانه ها به ورطه نابودی کشید شده، اکنون با نفس بقای فیزیکی روبرو هستند. گرانی نان در شرایط داخلی و بین المللی ایران مبارزه برای مرگ و زندگی را در دستور جامعه قرار میدهد و فی الحال جو نارضایتی را بشدت دامن زده و اعتراضات شروع شده است. رژیم اسلامی بخوبی حساسیت اوضاع را میداند و به اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با اعتراض و خیزش مردم، از جمله حمله وحشیانه به زنان و جوانان در پارک و خیابان و دانشگاه روی آورده

Free jailed workers in Iran



Mohammad Jarahi



Reza Shahabi



Ebrahim Madadi



Shahrokh Zamani



Ali Khatoni



Rasoul Bodaghi



Behnam Ebrahimzadeh

FREE THEM NOW!

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

زنده باد سوسیالیسم!



هشدار کمیته بین المللی علیه اعدام

در آستانه سی خرداد، زمینه سازی برای اجرای احکام اعدام چندین نفر از فعالین سیاسی

تاریخ سیاه حکومت اسلامی یادآور قتل هزاران فعال سیاسی است، پیا خیزیم و نگذاریم بیش از اینها جنایت کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ ژوئن ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
Email: minaahadi@aol.com
Tel: 0049 (0) 1775692413
<http://notonemoreexecution.org>
<http://stopstoningnow.com/wpress/>

رذالت و جنایت اسلامی به دست جوانان سرنگون خواهد شد و بهمین دلیل وحشیانه به قتل جوانان، اعدام در ملاعام و کشتار فعالین سیاسی دست میزنند. این حکومت روزانه حداقل دو نفر را اعدام میکنند. در یکسال گذشته ۶۵۹ را اعدام کرد و در سه ماه اخیر بیش از ۱۰۰ نفر را کشته است.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه احزاب سیاسی، سازمانهای مخالف اعدام و مردم معترض دعوت میکند به این جنایات اعتراض کنند. در آستانه سی خرداد شصت، در ماه خونین خرداد که در

به کمیته بین المللی علیه اعدام خبر رسید که مامورین حکومت اسلامی به خانواده های زانیار و لقمان مرادی گفته اند روز شنبه این هفته ۱۶ ماه ژوئن برای ملاقات با فرزندان خود به دادسرای زندان اوین مراجعه کنند. خانواده های این دو فعال سیاسی نگران این هستند که آخرین ملاقات با فرزندانشان زمینه سازی میشود. و از خطر اجرای حکم اعدام این دو جوان بسیار مضطرب هستند.

آیا ملاقات روز شنبه، آخرین ملاقات است؟

جمهوری اسلامی ایران با سببیت و وحشیگری میکشد. قتل و اعدام تنها تکیه گاه حکومتی است که در دریای خشم و انزجار مردم اسیر هست. این حکومت و سران دزد و چپاولگر آن میدانند که این دستگاه



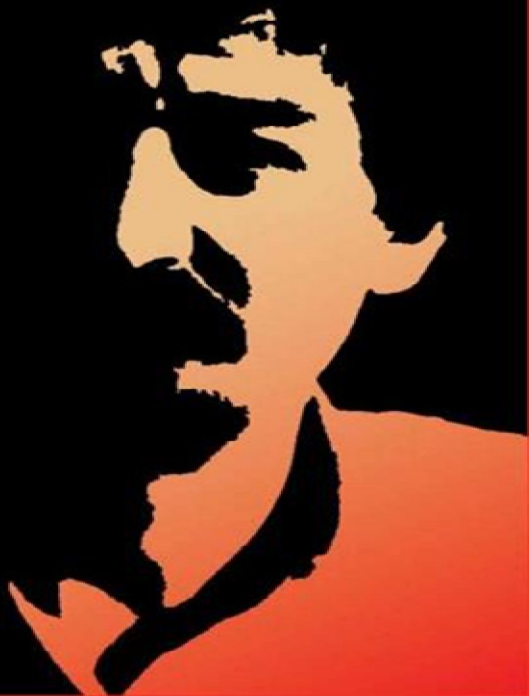
نامعلومی منتقل کرده اند. سازمان عفو بین الملل در مورد خطر اجرای حکم اعدام این پنج جوان که سه نفر از آنها برادر هستند، به اتهام شرکت در میتینگ خیابانی علیه حکومت اسلامی هشدار داد. سه برادر که برای اجرای حکم اعدام به مکان نامعلومی منتقل شده اند.

پنج نفر در اهواز و چند زندانی سیاسی در رجایی شهر در خطر اجرای حکم اعدام هستند. پنج فعال سیاسی به نامهای عبدالرحمن حیدری، طه حیدری، جمشید حیدری، منصور حیدری و امیر معاوی، را عصر روز شنبه ۲۰ خرداد ماه جاری از بندی که در آن بوده اند، خارج کرده و به مکان

در دهمین سالگرد مرگ منصور حکمت

در ستایش از مبارزه برای
شریفترین آرمانهای بشری
در گرامیداشت عمری تلاش برای
آزادی و برابری و سوسیالیسم
با ما همراه شوید

زمان: جمعه ۶ جولای، ساعت ۷ عصر
مکان: استکهلم، هوسبی ترف Husby Träff
تلفن تماس: سیما بهاری 0707432547
حزب کمونیست کارگری ایران





کنفرانس بین المللی زنان در برزیل موقعیت زنان در برزیل و در جهان، نقش جدید زنان در دنیا با حضور شخصیت‌های سرشناس بین المللی



Public: 500 people
Time: 9:00 AM to 6:00 PM

علیه تبعیض
(سازمان دفاع از حقوق زن)
۶ ژوئن ۲۰۱۲

www.tempodemulher.com.br

محل و ساعت شروع کنفرانس در
شهر سائوپائولو برزیل:

Date: July 2, 2012
Local: Grand Hyatt São Paulo

* دیلما روسوف رئیس جمهور

برزیل

* الیانا کالمون از وزارت

دادگستری برزیل

* گرالده آلکمن و لئو الکمن

فرمانداران ایالت سائوپائولو

* روسیسکا دارسی

* هبه کامارگو مجری برنامه

تلویزیون

* الیانه بروم نویسنده و

ژورنالیست

* روسیسکا دارسیست

* مارسلو نری

* لوییز آلبرتو مورنو

سایت اینترنتی سازمان زنان:

این کنفرانس بزرگ تجارب خود را
با بقیه در میان بگذارند.

سازمان دهندگان کنفرانس از

حضور ۵۰۰ نفر در این کنفرانس

حرف میزنند. نمایندگان احزاب و

سازمانهای مدافع حقوق زن و

سازمانهای سیاسی برزیلی در این

کنفرانس حضور خواهند داشت.

سخنرانان این کنفرانس:

* فوزیه کوفی فعال مدافع حقوق

زن از افغانستان

* مامان ماری نازلی فعال مدافع

حقوق زنان از کنگو

* مینا احدی فعال مدافع حقوق

زنان از ایران

سازمان زنان برزیلی "تمپو ده
مولهر" در يك کنفرانس بین المللی
با دعوت از شخصیت‌های سرشناس
مدافع حقوق زنان در روز دوشنبه
دوم ماه ژوئیه، به بررسی مبارزات
و اعتراضات زنان در دنیا
میپردازد.

در این کنفرانس قرار است

دیلما روسوف رئیس جمهور برزیل

نیز سخنرانی کند. در معرفی این

برنامه سازمان دهندگان

میگویند، از زنانی که در دنیا

منشا اثر بوده و با زندگی و

فعالیت‌های خودشان تغییرات

محسوسی در زندگی زنان ایجاد

کرده اند، دعوت شده است که در

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

ایران سولیداریتی - تورنتو: ایران سولیداریتی متعلق به همه کسانی است که رژیم شکنجه و اعدام را نمی خواهند!

دزد و آدمکش حرفه ای اعتراض دارند. با حضور خود بر سر میزهای ایران سولیداریتی صدای مردم ایران علیه حکومت اسلامی را رساتر کنید. برای اطلاعات بیشتر و چگونگی کمک و همکاری با نهاد ایران سولیداریتی در تورنتو می توانید از طریق ایمیل، فیس بوک و تلفن زیر با ما در تماس باشید.

Face book: IranSolidarityToronto
E-mail: iransolidarity-toronto@gmail.com

Tel: 647 298 0409
ایران سولیداریتی - تورنتو

چهره کریه و ضد انسانی جمهوری اسلامی را باید به مردم دنیا نشان داد. به این منظور و برای جلب حمایت مردم شریف تورنتو از مبارزات مردم ایران علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی فعالین "ایران سولیداریتی" روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۱ تا ۱ بعدازظهر در تقاطع خیابانهای یانگ و دانداس (مقابل درب اصلی ایتن سنتر) حضور خواهند داشت.

ایران سولیداریتی می خواهد صدای همه کسانی باشد که به، اعدام، سنگسار، شکنجه و بی حقوقی مردم ایران توسط مشتی

سازمان عفو بین الملل دعوت میکند: سخنرانی مینا احدی در شهر ماینز آلمان در مورد حقوق انسانی در ایران

کنفرانسی با حضور مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم و موسس کمیته بین المللی علیه سنگسار حقوق بشر در ایران

موضوعاتی که در این کنفرانس بررسی میشوند:

- * حقوق زنان در ایران
- * وضعیت حقوق بشر در اسلام
- * فعالیتهای نهاد اکس مسلم

زمان : ۲۶ ژوئن ۲۰۱۲ ساعت هفت و نیم شب
مکان : خانه اتحادیه کارگری " د . گ . ب " کیزر اشتراسه ۲۶
ورود به سائن ساعت هفت شب
ورود آزاد



مینا احدی در سال ۱۹۵۶ در ایران متولد شده . او عضو اپوزیسیون علیه حکومت شاه بود و بعد از اینکه اسلامیهستها در ایران قدرت را گرفتند او علیه این حکومت میتینگ سازمان میداد . در اواخر ۱۹۸۰ همسر قبلی او به همراه پنج نفر از کسانی که در منزل او دستگیر شده بودند، اعدام میشوند . مینا احدی غیابی به اعدام محکوم میشود. او زندگی مخفی میکرده و در سال ۱۹۸۱ به کردستان ایران رفته و ده سال در آنجا مبارزه کرده در سال ۱۹۹۰ به اروپا آمده است . مینا احدی کمیته بین المللی علیه سنگسار و در ۲۰۰۴ کمیته بین المللی علیه اعدام را بنیان گذاشت. او امروز

سخنگوی هر دو این نهادها است و با سازمان دادن کمپین های بین المللی با نهادهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان همکاری میکند و توانسته است تا کنون جان تعداد زیادی را از مرگ نجات دهد. از

International Committee Against Stoning
(<http://stopstonningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: بهروز مهرآبادی
دستیار سردبیر: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!